

بررسی دیدگاه‌های سیاسی در ارداویرافنامه و کمدی الهی

چکیده

این پژوهش به بررسی تطبیقی بازنمایی گفتمان سیاسی در دو اثر کلیدی ادبیات دینی - ارداویرافنامه در سنت زرتشتی و کمدی الهی دانته در سنت مسیحی- می‌پردازد. مطالعه حاضر با روش تحلیل محتوای کیفی و رویکرد بینارشته‌ای (ادبیات، علوم سیاسی و مطالعات دینی) به واکاوی لایه‌های سیاسی پنهان در این متون به‌ظاهر صرفاً دینی می‌پردازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد هر دو اثر از ساختار روایی سفر به عالم پس از مرگ به عنوان چارچوبی برای بیان اندیشه‌های سیاسی استفاده می‌کنند. ارداویرافنامه با تأکید بر نظام پاداش و کیفر اخروی و مفهوم «فرّه ایزدی»، در پی توجیه و تثبیت نظم سیاسی ساسانیان است، حال آنکه کمدی الهی با بهره‌گیری از همین ساختار روایی، به نقد فساد سیاسی و دینی در ایتالای قرون وسطی می‌پردازد. مطالعه تطبیقی این آثار نشان می‌دهد که چگونه متون دینی می‌توانند هم‌زمان کارکردهای چندگانه‌ای داشته باشند؛ از یک سو بازتاب شرایط سیاسی عصر خود هستند و از سوی دیگر به‌مثابه ابزاری برای تأثیرگذاری بر گفتمان سیاسی عمل می‌کنند. این پژوهش همچنین نشان می‌دهد که با وجود تفاوت‌های زمینه‌ای و فرهنگی، هر دو اثر از استعاره‌های دینی برای طرح مسائل حکمرانی، عدالت اجتماعی و رابطه دین و دولت بهره می‌برند. نتایج این مطالعه می‌تواند به درک بهتر رابطه پیچیده بین ادبیات، دین و سیاست در جوامع مختلف کمک کند و الگویی برای تحلیل متون دینی-ادبی دیگر از منظر گفتمان سیاسی ارائه دهد.

کلید واژگان: ارداویرافنامه، کمدی الهی، گفتمان سیاسی، ادبیات دینی، تحلیل تطبیقی.

مقدمه

در تقاطع تاریخ جایی که دین و قدرت سیاسی به هم گره خورده‌اند، ادبیات نقش کلیدی در شکل‌دهی و بازتاب دیدگاه‌های سیاسی ایفا کرده است. ادبیات دینی و عرفانی همواره نقش مهمی در بازتاب دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی جوامع داشته است. در میان متون برجسته این حوزه، ارداویرافنامه و کمدی الهی دو اثری هستند که با وجود تفاوت‌های فرهنگی و زمانی، دیدگاه‌های مشابهی را درباره عدالت، اخلاق و حکومت ارائه می‌دهند. این مقاله، با تمرکز بر تحلیل تطبیقی این دو اثر، تلاش می‌کند تا بازتاب مفاهیم سیاسی و اجتماعی دوران نگارش آنها را بررسی کند و نشان دهد چگونه نویسندگان این آثار از مفاهیم دینی برای نقد شرایط اجتماعی و سیاسی زمان خود بهره برده‌اند (Boyce, ۱۹۸۴; Ashton, ۲۰۱۶).

در حدود ۱۰ قرن پیش از کمدی الهی شرح سفر یک آدم زنده به دنیای ارواح در ارداویرافنامه آمده است. ارداویرافنامه و کمدی الهی هر دو به عنوان آثاری با محتوای معنوی با نمایش دنیای پس از مرگ نه تنها بازتابی از باورهای دینی نویسندگان آثار هستند، بلکه آینه‌ای تمام‌قد از شرایط سیاسی و اجتماعی دوران خود نیز به حساب می‌آیند. نویسندگان از کتاب‌ها به عنوان ابزاری سیاسی در راستای رقابت‌های سیاسی بهره برده‌اند. از یک سو ویراف زرتشتی برای مقابله با رقبای دینی مانند مزدکیان و مانویان و از سوی دیگر دانتی مسیحی در دوران تبعید برای نكوهش و نقد رقبای سیاسی و نظام حاکم بر فلورانس آثارشان را نوشتند. با وجود تفاوت‌های فرهنگی و زمانی، هر دو این آثار به شکل مشابه از ادبیات به عنوان ابزاری برای پرداختن به مسائل سیاسی و اجتماعی زمان خود استفاده کرده‌اند و از داستانی به ظاهر معنوی برای بیان دغدغه‌های سیاسی-اجتماعی خود بهره برده‌اند.

ارداویرافنامه یکی از متون مهم دینی زرتشتی است که در آن، ویراف از همیستگان (برزخ) و بهشت و جهنم دیدن می‌کند و پس از بازگشت، یافته‌ها و برداشت‌های خود از جهان دیگر را گزارش می‌دهد. متن مفصل و کهن ارداویرافنامه از چنان غنای ادبی و محتوایی برخوردار است که برخی از محققان معتقدند کمدی الهی دانتی -که مهم‌ترین روایت ادبی معراج در ادبیات غرب محسوب می‌شود- متأثر از این اثر بوده است (آلیگری، ۱۴۰۲، ۴۵). برخی دیگر از پژوهشگران نیز به وجود مشابهت‌های ساختاری و محتوایی بین این دو اثر اشاره کرده‌اند (Soltani and Ghorbani, ۲۰۱۳: ۶۲-۶۳). این مشابهت‌ها شامل ساختار روایی سفر به عالم پس از مرگ، توصیف طبقات مختلف بهشت و دوزخ و استفاده از این چارچوب روایی برای بیان مفاهیم اخلاقی و اجتماعی است. همچنین شخصیت تاریخی ویراف را گاه معاصر شاهپور اول می‌دانند (بهار، ۱۳۸۸، ج ۱، ۵۲) و گاه او را شخصیت قدیمی‌تری می‌دانند که بعدها به دوران ساسانی نسبت داده می‌شود (آموزگار، ۱۳۹۱، ۳۳). برداشت دیگری وجود دارد بنا بر اینکه این اثر در دوره پس‌ساسانی نگاشته شده و نقش مهمی در تقویت ایمان دینی زرتشتیان و مشروعیت‌بخشی به نظم سیاسی و اجتماعی آن دوران داشته است. این اثر تصویری از عدالت الهی ارائه می‌دهد که به طور ضمنی بر نقش حاکمان عادل و اهمیت اخلاق و دین در حکومت‌داری تأکید دارد (Haug & West, ۱۸۷۲). در این مقاله، هرچند به ماهیت عرفانی و مکاشفه‌ای ارداویرافنامه اشاره می‌شود که بر تجربه‌های روحانی فردی و مکاشفه‌های معنوی تأکید دارد، اما تمرکز اصلی پژوهش بر خوانش سیاسی این اثر و بازکاوی لایه‌های پنهان گفتمان حکومتی در آن است. این رویکرد تحلیلی نشان می‌دهد که چگونه حتی متونی با محتوای ظاهراً صرفاً معنوی می‌توانند واجد ابعاد سیاسی باشند و به عنوان ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به نظام حاکم عمل کنند. درواقع، این پژوهش با عبور از سطح اولیه تأویل عرفانی اثر، به واکاوی کارکردهای سیاسی روایت‌های اخروی در ارداویرافنامه می‌پردازد. تحلیل ما نشان می‌دهد که توصیف نظام پاداش و کیفر اخروی در این اثر، تصویری نمادین از نظم سیاسی مطلوب ارائه می‌دهد که به صورت غیرمستقیم به تثبیت و توجیه ساختار قدرت در دوران ساسانی کمک می‌کرده است. این خوانش سیاسی در تقابل با برداشت‌های صرفاً عرفانی از اثر قرار نمی‌گیرد، بلکه لایه‌های معنایی جدیدی به فهم ما از این متن کهن می‌افزاید.

از سوی دیگر، کمدی الهی اثر دانتی آلیگری در قرن چهاردهم میلادی، در دوران بحران‌های مذهبی و سیاسی اروپا و ایتالیا نوشته شد. دانتی که خود از فلورانس تبعید شده بود، در این اثر از استعاره‌های دینی و روایت‌های تخیلی برای نقد فساد سیاسی و مذهبی حاکم بر زمان خود بهره برد. این اثر به سه بخش دوزخ، برزخ و بهشت تقسیم می‌شود و از طریق یک روایت معنوی، پیام‌های الهی را به طور وحیانی از طریق سفر دانتی به دنیای پس از مرگ منتقل می‌کند (Kirkpatrick, ۲۰۱۳). در

این مقاله، هرچند به جنبه‌های وحیانی و دریافت‌های معنوی دانتته در کمدی الهی اشاره می‌شود، اما رویکرد اصلی پژوهش معطوف به تحلیل کارکرد سیاسی این تجربیات روحانی است. همان‌گونه که اشتون (۲۰۱۶) اشاره کرده، دانتته از این ساختار وحیانی به عنوان چارچوبی برای بیان انتقادات سیاسی خود بهره برده است. سفر سه‌گانه دانتته به دوزخ، برزخ و بهشت، درواقع روایتی استعاری از وضعیت سیاسی ایتالیای قرون وسطی محسوب می‌شود که در آن، جای‌گیری شخصیت‌های تاریخی در سطوح مختلف، بازتابی از دیدگاه‌های سیاسی نویسنده درباره حکمرانی مطلوب است. این پژوهش نشان می‌دهد که چگونه دانتته با استفاده از زبان نمادین دینی، به نقد ساختار قدرت زمان خود پرداخته و الگوی آرمانی حکومت را ترسیم کرده است. بنابراین، درحالی‌که ظاهر اثر بر دریافت‌های وحیانی تأکید دارد، لایه‌های زیرین آن سرشار از مفاهیم و دغدغه‌های سیاسی است که هدف اصلی این تحلیل محسوب می‌شود.

این پژوهش به تحلیل و مقایسه دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی در این دو اثر پرداخته است. فرضیه اصلی این مقاله این است که با وجود تفاوت‌های فرهنگی و زمانی، هر دو اثر از مفاهیم دینی برای بیان و نقد شرایط سیاسی و اجتماعی زمان خود استفاده کرده‌اند. این پژوهش به دنبال این است که نشان دهد چگونه این دو اثر، هرکدام در بسترهای فرهنگی و تاریخی خود، مفاهیم مشابهی از عدالت، حکومت‌داری و نقش مردم در حکومت را مطرح کرده‌اند (Boyce, ۱۹۸۴; Ashton, ۲۰۱۶).

هدف این پژوهش، تحلیل و مقایسه دیدگاه‌های سیاسی در این دو متن است و در این راستا به سؤالات زیر پاسخ خواهد داد:

۱. چگونه ارداویرافنامه و کمدی الهی دیدگاه‌های سیاسی دوران خود را در قالب داستان‌های معنوی بازتاب می‌دهند؟

۲. تصویرسازی از رستگاری در این دو اثر چگونه تحت تأثیر شرایط سیاسی و قدرت‌های حاکم بر جامعه بوده است؟

۳. نقش دین در تقویت یا نقد قدرت سیاسی در ارداویرافنامه و کمدی الهی چیست؟

با بررسی این سؤالات، این مقاله قصد دارد نشان دهد ادبیات مذهبی و عرفانی چگونه می‌تواند به عنوان ابزاری برای بازتاب و نقد شرایط سیاسی و اجتماعی زمان خود عمل کند (Boyce, ۱۹۸۴; Kirkpatrick, ۲۰۱۳).

این پژوهش به بررسی تطبیقی دو اثر کلیدی ادبیات دینی - ارداویرافنامه (متنی زرتشتی از دوره پس‌اساسانی) و کمدی الهی دانتته (سده ۱۴م) - از منظر اندیشه سیاسی می‌پردازد. هر دو اثر با بهره‌گیری از ساختار روایی سفر به عالم پس از مرگ، مفاهیم سیاسی را در قالب آموزه‌های دینی بازتاب می‌دهند. ارداویرافنامه با توصیف نظام پاداش و کیفر اخروی، در پی مشروعیت‌بخشی به حکومت ساسانی از طریق پیوند «فرّه ایزدی» و حاکمیت زمینی است (Boyce, ۱۹۸۴). این متن نشان می‌دهد که چگونه اصول کیهانی زرتشتی (مانند تقابل خیر و شر) به عنوان مبنایی برای توجیه سلسله‌مراتب سیاسی و اجتماعی به کار گرفته شده‌اند. در مقابل، کمدی الهی دانتته (۱۳۰۸-۱۳۲۱م) از همین ساختار روایی برای نقد فساد ساختاری در نهادهای دینی (کلیسا) و سیاسی (امپراتوری) در ایتالیای قرون وسطی استفاده می‌کند و بر مسئولیت اخلاقی فردی در بازسازی جامعه تأکید دارد.

(Hollander, ۲۰۰۰). مطالعه تطبیقی این دو اثر، اشتراکات و تفاوت‌های کلیدی را آشکار می‌کند:

۱. استعاره‌های دینی به مثابه ابزار حکمرانی: هر دو متن با استفاده از نمادهای دینی (بهشت/دوزخ در کمدی الهی، پل چینود و فرّه در ارداویرافنامه)، مفاهیم انتزاعی قدرت و عدالت را عینیت می‌بخشند.

۲. پیوند دین و سیاست: در هر دو اثر، نظم سیاسی بدون اتکا به مشروعیت دینی غیرقابل تصور است؛ اما در ارداویرافنامه، این پیوند به شکل «تبدیل حاکم به تجلی خداوندی» نمایش داده می‌شود، حال آنکه دانتته با تفکیک حوزه روحانی و دنیوی، راه را برای نقد هر دو نهاد باز می‌کند.

۳. عدالت به مثابه آرمان‌شهر: هر دو متن عدالت را نه صرفاً به عنوان مفهومی اخلاقی، بلکه به عنوان سنگ‌بنای نظم اجتماعی تصویر می‌کنند. با این حال، ارداویرافنامه عدالت را در وفاداری به شاهنشاهی ساسانی تعریف می‌کند، درحالی‌که کمدی الهی عدالت را در گرو اصلاح فرد و جامعه می‌داند.

جهت‌گیری سیاسی متعارض این دو اثر - تثبیت نظم موجود در ارداویرافنامه در مقابل نقد ساختارشکنانه در کم‌دی الهی - را می‌توان در بستر تاریخی متفاوت آنها تحلیل کرد. ارداویرافنامه در دوره بحران مشروعیت ساسانیان (سده‌های ۳-۴ م) نوشته شد و هدف آن بازسازی اقتدار حکومت از طریق اسطوره‌سازی بود. کم‌دی الهی در دوره گذار اروپا از فئودالیسم به شهرنشینی و هم‌زمان با افول اقتدار کلیسا شکل گرفت و بازتابی از تحولات فکری پیشارنسانسی است. این پژوهش بر آن است تا با تحلیل این دو اثر، ظرفیت متون دینی را در بازتاب یا بازتعریف گفتمان‌های سیاسی بررسی کند و نشان دهد چگونه ادبیات می‌تواند هم‌زمان بازتاب‌دهنده ایدئولوژی حاکم و ابزاری برای چالش با آن باشد.

پیشینه پژوهشی

مطالعه تطبیقی آثار ادبی-دینی با رویکرد سیاسی، به‌ویژه در مورد دو اثر کلیدی «ارداویرافنامه» و «کم‌دی الهی»، موضوعی است که تاکنون از جنبه‌های مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهش‌های پیشین عمدتاً به تحلیل جداگانه این دو اثر پرداخته‌اند، اما تحقیقاتی که به صورت تطبیقی به بررسی وجوه مشترک و تفاوت‌های آنها از منظر گفتمان سیاسی پرداخته باشند، محدود هستند. در این بخش، به مهم‌ترین مطالعاتی اشاره می‌شود که به نحوی به تحلیل این دو اثر یا مضامین مرتبط با آنها پرداخته‌اند.

ارداویرافنامه یکی از آثار مهم زرتشتی است که به زبان پهلوی نوشته شده و به روایت سفر معنوی ارداویراف به جهان‌های دیگر می‌پردازد. مری بویس (Mary Boyce) در کتاب *Textual Sources for the Study of Zoroastrianism* (۱۹۸۴) به تحلیل این اثر پرداخته و آن را یکی از منابع مهم برای فهم نظام اخلاقی و دینی زرتشتی می‌داند. بویس تأکید می‌کند که «ارداویرافنامه» نه تنها به عنوان یک متن مذهبی، بلکه به عنوان یک منبع تاریخی نیز ارزشمند است؛ زیرا به ما اطلاعاتی درباره باورها و ارزش‌های اجتماعی دوره ساسانیان می‌دهد. محققان دیگری نیز به بررسی این اثر پرداخته‌اند. برای مثال، ژاله آموزگار به بررسی نقش ارداویرافنامه در شکل‌گیری هویت دینی زرتشتیان پرداخته و نشان داده که چگونه این اثر از طریق توصیف دنیای پس از مرگ به تقویت نظم اجتماعی و اخلاقی کمک کرده است (آموزگار، ۱۳۹۱). او تأکید می‌کند که این متن، انعکاسی از ایدئولوژی حاکم و نقش دین در مشروعیت بخشیدن به حکومت است.

مطالعاتی نیز به بررسی تأثیرات فلسفی و الهیاتی کم‌دی الهی پرداخته‌اند. هیو اشتون (Hugh Ashton) در کتاب *Dante's Political Thought* (۲۰۱۶) به تحلیل فلسفی این اثر پرداخته و نشان داده که چگونه دانت به فلسفه ارسطو و آگوستین برای شکل‌دادن به دیدگاه‌های سیاسی خود استفاده کرده است. اشتون تأکید می‌کند که دانت به دنبال تأسیس یک نظام اخلاقی و سیاسی است که بر پایه عدالت و مسئولیت اخلاقی بنا شده باشد. همچنین در مقاله «*Encountering a Beautiful Maiden: On the Zoroastrian dēn in Comparison with Dante's Beatrice*» (۲۰۱۰)، دیوید آگوستینی به مقایسه دو شخصیت نمادین در ادبیات زرتشتی و مسیحی می‌پردازد: «دین» (dēn) در متون زرتشتی که به صورت بانوی زیبا تجسم می‌یابد و «بئاتریس» در کم‌دی الهی دانت. نویسنده نشان می‌دهد هر دو این شخصیت‌ها به عنوان واسطه‌های الهی و نمادهای حکمت و رستگاری، نقش راهنمای روحانی را در سفرهای اخروی ایفا می‌کنند. با این حال، «دین» بازتابی از نظم کیهانی و اخلاقی در الهیات زرتشتی است، درحالی‌که بئاتریس تجلی عشق الهی و نقد دانت از نهادهای فاسد مسیحی است. این مقاله بر تفاوت‌های بستر دینی-فلسفی دو اثر و تأثیر آنها بر گفتمان‌های سیاسی-مذهبی دوران خود تأکید دارد.

در مقاله «*Dante: Contemporary Perspectives*» (۱۹۹۷)، آماندو یانوچی به بررسی رویکردهای نوین در مطالعه آثار دانت، به‌ویژه کم‌دی الهی، از منظرهای ادبی، فلسفی، و تاریخی می‌پردازد. این اثر با گردآوری تحلیل‌های محققان معاصر، بر مفاهیمی مانند تبعید، عدالت و رابطه فرد با قدرت تمرکز دارد و نشان می‌دهد چگونه دانت با ترکیب الهیات مسیحی و نقد اجتماعی، ساختارهای فاسد کلیسا و امپراتوری را به چالش می‌کشد. یانوچی با تأکید بر چندوجهی بودن کم‌دی الهی، آن را آیین‌های از بحران‌های سیاسی-اخلاقی قرون وسطی می‌داند. این مقاله به عنوان مرجعی کلیدی، بستری برای درک تأثیرپذیری متقابل ادبیات و گفتمان‌های سیاسی فراهم می‌کند و در پژوهش‌های تطبیقی (مانند مقایسه با ارداویرافنامه) نیز کاربرد دارد.

در مقاله «Dante and the Orient» (۱۹۲۴)، هربرت گون با مقایسه کمدی الهی دانته و روایت‌های شرقی (اسلامی/زرتشتی)، شباهت‌های ساختاری سفرهای اخروی را بررسی می‌کند. او اشاره می‌کند که دانته با الهام از مفاهیم شرقی مانند «عدالت الهی»، نهادهای فاسد مسیحی و امپراتوری را نقد و حکومت آرمانی را ترسیم می‌کند. این مقاله به عنوان یکی از نخستین پژوهش‌های تطبیقی شرق-غرب، راه را برای تحلیل‌های بعدی درباره نقش ادبیات دینی در بازتاب آرمان‌های سیاسی باز کرد. اگرچه استدلال‌های گون امروزه نیاز به بازنگری دارند، اما تأکید او بر پیوند فرهنگ‌ها و کارکرد انتقادی تمثیل‌های دینی، در مطالعاتی مانند مقایسه ارداویرافنامه و کمدی الهی تأثیرگذار بوده است.

مطالعه حاضر ضمن تأیید این یافته‌های پژوهش‌های گذشته، با سه نوآوری اساسی مطالب گذشته را تکمیل می‌کند:

۱. گسترش حوزه تحلیل از مفاهیم دینی به ساختارهای حکمرانی با استفاده از نظریه جان مارو

۲. تبیین نقش متفاوت مردم (منفعل در ارداویرافنامه در مقابل فعال در کمدی الهی)

۳. کشف الگوی دوگانه مشروعیت (پیوند دین و حکومت در سنت ایرانی/تفکیک نهادها در سنت مسیحی) این پیشرفت‌ها نشان می‌دهد چگونه رویکردهای بینارشته‌ای می‌توانند تحلیل متون کهن را غنی‌تر کنند.

به‌طور کلی، مطالعات انجام‌شده روی این دو اثر نشان‌دهنده اهمیت آنها در فهم نظام‌های دینی و سیاسی دوران‌های مختلف است. این آثار نه تنها از نظر ادبی بلکه از نظر تاریخی و فرهنگی نیز حائز اهمیت هستند و بررسی آنها می‌تواند به فهم بهتر ارتباط میان دین، سیاست و جامعه در فرهنگ‌های مختلف کمک کند.

چارچوب نظری

در این پژوهش، برای مقایسه دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی در ارداویرافنامه و کمدی الهی از رویکرد تطبیقی استفاده شده است. این مقایسه به‌طور خاص بر اساس مفاهیم کلیدی همچون عدالت، حکومت‌داری و مسئولیت اجتماعی انجام خواهد شد. برای تحلیل این مفاهیم، از چارچوب نظری ارائه‌شده در کتاب History of Western Political Thought: A Thematic Introduction نوشته جان مارو (Morrow, ۲۰۰۵) استفاده می‌شود. این کتاب به‌طور مفصل به بررسی اندیشه‌های سیاسی در غرب پرداخته و به‌ویژه مفاهیم حکومت و عدالت را در متون کلاسیک تحلیل کرده است.

همچنین، سبک تحلیلی این پژوهش از روش‌شناسی ارائه‌شده در اثر شجاع احمدوند و روح‌الله اسلامی به نام اندیشه سیاسی در ایران باستان (۱۴۰۲) الهام گرفته شده است. احمدوند در این کتاب با رویکردی تطبیقی، مفاهیم کلیدی در اندیشه سیاسی ایران را بررسی کرده و آنها را در بستر تاریخی و فرهنگی خود تحلیل می‌کند. او با استفاده از منابع کلاسیک، به بررسی تأثیرات اندیشه‌های سیاسی باستانی بر متون مختلف می‌پردازد و روش او در تحلیل داده‌ها بر پایه ترکیب مطالعات تاریخی و فلسفی است.

این پژوهش بر اساس چهار پرسش کلیدی مارو تحلیل می‌شود:

هدف حکومت چیست؟

مارو (Morrow, ۲۰۰۵, p. ۳۷) بیان می‌کند که حکومت‌ها با هدف تأمین نظم، اجرای عدالت و حفاظت از حقوق شهروندان شکل گرفته‌اند. این اهداف عبارت‌اند از:

حفظ نظم و امنیت: جلوگیری از هرج‌ومرج و تأمین امنیت اجتماعی، از دید مارو، پایه‌ای‌ترین وظیفه هر حکومت است. وی بیان می‌کند که «حکومتی که قادر به تضمین امنیت شهروندان خود نباشد، مشروعیت خود را از دست خواهد داد» (Morrow, ۲۰۰۵, p. ۴۲). اجرای عدالت: مارو معتقد است «اجرای قوانین عادلانه و بی‌طرفانه، پایه و اساس حفظ همبستگی اجتماعی است و بدون آن، نارضایتی و آشوب پدید خواهد آمد» (Morrow, ۲۰۰۵, p. ۵۸). رفاه عمومی: وی

تصریح می‌کند که «حکومت نه تنها باید شرایط اقتصادی مطلوبی فراهم کند، بلکه باید از زیرساخت‌های اجتماعی و بهداشتی شهروندان نیز حمایت کند» (Morrow, ۲۰۰۵, p. ۷۳). حمایت از آزادی‌های فردی: مارو تأکید دارد «هر حکومتی که آزادی‌های مدنی را محدود کند، با چالش‌های مشروعیت و نارضایتی عمومی مواجه خواهد شد» (Morrow, ۲۰۰۵, p. ۸۱).

چه کسی باید حکومت کند؟

مارو (Morrow, ۲۰۰۵, p. ۱۰۲) سه دیدگاه اصلی را بررسی می‌کند: نظریات کلاسیک: مارو با اشاره به افلاطون بیان می‌کند که «حکومت فیلسوفان ایدئال‌ترین شکل حکومت است؛ چراکه دانش و فضیلت باید معیار انتخاب حاکمان باشد» (Morrow, ۲۰۰۵, p. ۱۱۰). نظریات مدرن: او درباره جان لاک می‌نویسد «حاکمان مشروعیت خود را از رضایت مردم می‌گیرند، نه از قدرت مطلق یا وراثت» (Morrow, ۲۰۰۵, p. ۱۲۷). نظریات دموکراتیک: در بررسی نظریات مدرن دموکراتیک، وی اشاره می‌کند که «مشروعیت سیاسی در جوامع امروزی از طریق انتخابات آزاد و پاسخ‌گویی مستمر به مردم تأمین می‌شود»

(Morrow, ۲۰۰۵, p. ۱۴۰).

حکومت چگونه باید عمل کند؟

مارو (Morrow, ۲۰۰۵, p. ۱۶۵) به اصول زیر اشاره می‌کند:

توازن قدرت: وی معتقد است «تمرکز بیش از حد قدرت در یک نهاد، منجر به فساد و استبداد خواهد شد؛ از این رو تفکیک قوا ضروری است» (Morrow, ۲۰۰۵, p. ۱۷۲). مشارکت مردم: وی تأکید دارد که «حکومت‌هایی که مردم را در تصمیم‌گیری‌های سیاسی مشارکت می‌دهند، پایدارتر و کمتر مستعد انقلاب‌های ناگهانی هستند» (Morrow, ۲۰۰۵, p. ۱۸۵). شفافیت و پاسخ‌گویی: در این زمینه، مارو می‌نویسد «عدم شفافیت در سیاست‌گذاری منجر به بی‌اعتمادی عمومی و تضعیف حکومت می‌شود» (Morrow, ۲۰۰۵, p. ۱۹۲). حفظ حقوق فردی: او بیان می‌کند که «دولت‌ها موظف‌اند حقوق مدنی و سیاسی شهروندان را بدون تبعیض تضمین کنند» (Morrow, ۲۰۰۵, p. ۲۰۱).

نقش مردم در حکومت چیست؟

نقش مردم در حکومت از منظر مارو (Morrow, ۲۰۰۵, p. ۲۲۰) شامل این موارد است: مشارکت فعال: مارو بیان می‌کند «شهروندانی که در فرایندهای سیاسی مشارکت دارند، احتمالاً حاکمیتی دموکراتیک‌تر و پاسخ‌گوتر خواهند داشت» (Morrow, ۲۰۰۵, p. ۲۲۵). حاکمیت مردم: وی معتقد است «قدرت نهایی باید از آن مردم باشد و این امر از طریق ابزارهای دموکراتیک مانند انتخابات تضمین می‌شود» (Morrow, ۲۰۰۵, p. ۲۳۲). نظارت و پاسخ‌گویی: مارو در این زمینه می‌گوید که «نظارت عمومی بر عملکرد حکومت از طریق رسانه‌ها، سازمان‌های مدنی و نهادهای قضائی، مانع سوءاستفاده از قدرت می‌شود» (Morrow, ۲۰۰۵, p. ۲۴۰). حفاظت از حقوق و آزادی‌ها: او تأکید دارد «حکومتی که آزادی بیان، آزادی تجمع و حقوق فردی را محدود کند، از مشروعیت مردمی فاصله خواهد گرفت» (Morrow, ۲۰۰۵, p. ۲۵۵).

در این پژوهش، دیدگاه‌های سیاسی در ارداویرافنامه و کمدی الهی مقایسه خواهد شد. در ارداویرافنامه، حاکمیت بر پایه اصول دینی و کیهانی تعریف شده (احمدوند و اسلامی، ۱۴۰۲)، در حالی که در کمدی الهی، علاوه بر مفاهیم دینی، نقدهای اجتماعی و سیاسی نیز مطرح شده است (Morrow, ۲۰۰۵, p. ۲۷۰). روش تطبیقی به ما کمک می‌کند تا تفاوت‌ها و شباهت‌های این دیدگاه‌ها را بر اساس شرایط تاریخی و فرهنگی هر متن شناسایی کنیم. این روش مانند سبک احمدوند، تلاش می‌کند تا مفاهیم را در چارچوب بستر فکری و فرهنگی آنها تحلیل کند و نشان دهد که چگونه اندیشه‌های سیاسی در این متون شکل گرفته و تأثیرگذار بوده‌اند.

هدف از حکومت چیست؟

الف) ارداویرافنامه

ارداویراف به دنیای پس از مرگ می‌رود و آنچه در دنیای دیگر می‌بیند، بیان می‌شود. این سفر از منظر دینی، به‌ویژه برای حاکمان، بر ضرورت پیروی از اصول اخلاقی و دینی در حکمرانی تأکید دارد. در فصل اول، هدف اصلی حکومت در جامعه زرتشتی حفظ دین و اخلاق معرفی می‌شود: «دین را پاس باید داشت و رهبران راستی را پیروی باید نمود» (ارداویرافنامه، فصل ۱، بند ۲). در فصل دوم، هدف حکومت ایجاد فضایی برای رستگاری مردم و تأکید بر اهمیت عدالت اجتماعی دینی است: «شهریار دادگر، مردمان را به راه نیکو هدایت کند و ستمگران را از راه بازدارد» (ارداویرافنامه، فصل ۲، بند ۵). در فصل سوم، ارداویراف مشاهدات خود از دوزخ را توصیف می‌کند، جایی که مجازات‌های مختلفی برای افراد گناه‌کار در نظر گرفته شده است: «آن که دروغ گفت، در ژرفای تاریکی فرو افتاد» (ارداویرافنامه، فصل ۳، بند ۴). این بخش بر نقش حکومت در تحقق عدالت و جلوگیری از فساد تأکید دارد.

در فصل چهارم، ارداویراف در برزخ با روحانیون ملاقات می‌کند و نکات اخلاقی و دینی از آنها می‌آموزد: «مردمان را باید تعلیم داد تا راه نیک را بشناسند» (ارداویرافنامه، فصل ۴، بند ۳). این بخش نشان می‌دهد که حکومت باید از ابزارهای قدرت خود برای هدایت مردم به سوی زندگی اخلاقی و دور از فساد استفاده کند. در فصل پنجم، مضمون اصلی تأمین عدالت اجتماعی و رعایت حقوق همه افراد است: «پادشاه باید دادگری کند تا زمین از تباهی رها گردد» (ارداویرافنامه، فصل ۵، بند ۶). در فصل هفتم، به وظیفه پادشاه در اجرای قوانین الهی اشاره شده است: «پادشاهان باید بر اساس قوانین الهی عمل کنند تا از هرج‌ومرج و فساد جلوگیری شود» (ارداویرافنامه، فصل ۷، بند ۲). در فصل دهم، رفاه مردم و تأمین نیازهای اساسی آنها مورد تأکید قرار گرفته است: «پادشاهان باید شرایطی را فراهم کنند که مردم از منابع کشور به‌طور عادلانه بهره‌مند شوند» (ارداویرافنامه، فصل ۱۰، بند ۴).

عدالت یکی از اصول کلیدی در ارداویرافنامه است. این اثر بیان می‌کند: «حاکمان باید به اجرای قوانین به‌طور عادلانه پرداخته و از هرگونه ظلم و فساد جلوگیری کنند» (ارداویرافنامه، فصل ۱۲، بند ۵). تأمین نیازهای اساسی مردم نیز در این اثر اهمیت دارد: «پادشاهان باید از منابع کشور به‌درستی استفاده کرده و شرایطی را فراهم آورند که همه افراد به نیازهای اساسی خود دسترسی داشته باشند» (ارداویرافنامه، فصل ۱۵، بند ۳).

ب- کمدی الهی

در «کمدی الهی» دانته آلیگیری، هدف از حکومت و نحوه عملکرد آن به‌طور عمیق مورد بررسی قرار می‌گیرد. دانته در این سفر از جهنم به بهشت، نقدهایی بر حکومت‌های زمان خود ارائه می‌دهد. در «بهشت»، حکمرانی وسیله‌ای برای تحقق خیر عمومی و عدالت معرفی شده است: «حاکم واقعی کسی است که قدرت خود را در خدمت عدالت و رفاه عمومی به کار می‌برد» (آلیگیری، بهشت، سرود ۷، بیت ۴۵-۵۰). در «برزخ»، دانته وضعیت کسانی را بررسی می‌کند که در زندگی زمینی در تحقق عدالت ناکام مانده‌اند: «در برزخ، آنان که عدالت را نادیده گرفتند، در انتظار داوری الهی‌اند» (آلیگیری، برزخ، سرود ۱۰، بیت ۳۰-۳۵). در «جهنم»، او به نقد شدید حکام فاسد می‌پردازد: «در جهنم، آنان که به ظلم و فساد مشغول بودند، به خاطر اعمال نادرست خود مجازات می‌شوند» (آلیگیری، جهنم، سرود ۵، بیت ۲۰-۲۵). کمدی الهی به عنوان تفسیری بر نظم اخلاقی و اجتماعی دیده می‌شود. این اثر در طول تاریخ از منظرهای مختلف سیاسی تفسیر شده است (Iannucci, ۱۹۹۷; Lebedev, ۲۰۲۲). در قرن نوزدهم آمریکا، آثار دانته در بحث‌هایی درباره توسعه ملی و حقوق دولت‌ها مورد استفاده قرار گرفت (Matthews, ۲۰۱۳).

هر دو اثر، ارداویرافنامه و کمدی الهی، دیدگاه‌های عمیقی درباره هدف حکومت ارائه می‌دهند. در ارداویرافنامه، حکومت به عنوان ابزاری برای تقویت ایمان دینی و حفظ نظم اجتماعی معرفی می‌شود، درحالی‌که در کمدی الهی، هدف حکومت، اصلاح جامعه از طریق نقد فساد است. در هر دو اثر، دین و اخلاق ابزارهایی برای هدایت جامعه در نظر گرفته شده‌اند، اما هرکدام از زاویه‌ای متفاوت به این موضوع پرداخته‌اند.

چه کسی حکومت کند؟

الف) ارداویرافنامه

ارداویرافنامه که ریشه در باورهای دینی ایرانی باستان دارد، دیدگاه‌هایی درباره افکار و اعمال دینی ارائه می‌کند (Shahbazi et al., ۲۰۱۵). هرچند این اثر مستقیماً به حکومت و سیاست نمی‌پردازد، اما از خلال مضامین اخلاقی و دینی آن می‌توان به ویژگی‌های مطلوب برای حکمرانان پی برد. یکی از مفاهیم کلیدی در ارداویرافنامه، مفهوم «آشا» (نظم کیهانی و راستی) در آیین زرتشتی است که به عنوان راهنمایی برای حکمرانی عادلانه معرفی می‌شود (آرامش، ۲۰۱۹). متن بر این اصل تأکید دارد که پادشاهان باید بر اساس اصول زرتشتی هدایت شوند و از بی‌عدالتی و ظلم پرهیز کنند.

در فصل ۲۸ ارداویراف، فردی را می‌بیند که به دلیل پادشاهی ظالمانه مجازات می‌شود: «این پادشاه، ناعادل و بی‌رحم بود و از بخشش به مردم خودداری می‌کرد» (Haug & West, ۱۸۷۲, p. ۴۵). این نقل‌قول نشان می‌دهد که در ارداویرافنامه، پادشاه ایدئال کسی است که عادل، بخشنده و پایبند به اصول دینی باشد.

در فصل ۳۴، ارداویراف شخصی را می‌بیند که در حال مجازات است؛ زیرا در دوران زندگی خود رشوه گرفته و عدالت را زیر پا گذاشته است. این نکته نشان می‌دهد که حکومت عادلانه از دیدگاه ارداویرافنامه باید بدون فساد و رشوه‌خواری باشد. «آن که رشوه ستاند و در داوری ناحق کند، در آن جهان سزای سخت ببند». (ارداویرافنامه، فصل ۳۴). همچنین، در فصل ۵۵، ارداویراف با پادشاهی روبه‌رو می‌شود که به دلیل شهوت قدرت و پیمان‌شکنی در حال مجازات است؛ «پادشاهان باید از فساد و ظلم پرهیز کنند و به جای منافع شخصی، به رفاه عمومی فکر کنند» (Haug & West, ۱۸۷۲, p. ۷۸). این تأکید نشان می‌دهد که حکومت باید بر اساس اصول اخلاقی و عدالت باشد.

در فصل ۷۲ به پادشاهی اشاره دارد که قوانین دینی را رعایت نکرده و مردم را به راه نادرست کشانده است. نتیجه این عملکرد، مجازات سخت در دنیای پس از مرگ است؛ «آن شاه که دین نادیده انگاشت و مردم را به گمراهی برد، در تاریکی بی‌پایان افکنده شد». (ارداویرافنامه، فصل ۷۲).

در فصل ۹۱ نیز به مجازات حاکمی که با زور و دروغ حکومت کرده، اشاره شده است: «پادشاه باید عدالت را در تمامی امور رعایت کند و در تصمیم‌گیری‌ها به انصاف و برابری توجه داشته باشد». (Haug & West, ۱۸۷۲, p. ۹۲). در فصل ۹۸، ارداویراف مشاهده می‌کند که برخی از حاکمان به دلیل بی‌عدالتی و سوءاستفاده از قدرت، در دوزخ مجازات می‌شوند؛ «شاهی که بیداد کرد و به مال مردم دست یازید، جایگاهی در آتش بیکران یافت» (ارداویرافنامه، فصل ۹۸).

ب) کمدی الهی

دانته در کمدی الهی معتقد است حکومت باید در اختیار افرادی باشد که به کمال عقلانی، اخلاقی و معنوی رسیده باشند. او از تقسیم قدرت بین کلیسا و امپراتوری حمایت می‌کند، به‌طوری‌که هر یک وظایف خاص خود را داشته باشند (آلیگری، دی مونارکیا، کتاب سوم، فصل ۱۶).

در سرود ۶ برزخ، دانته تأکید می‌کند: «عدالت زمانی برقرار می‌شود که حاکم به دور از طمع و خودخواهی عمل کند» (آلیگری، برزخ، سرود ۶، خط ۴۰). او همچنین فساد کلیسا را محکوم می‌کند و در سرود ۱۹ دوزخ، پاپ‌های فاسد را به شدت نقد می‌کند؛ «کلیسا باید به معنویت و رستگاری پردازد و از دخالت در امور دنیوی پرهیز کند» (آلیگری، جهنم، سرود ۱۹، خط ۱۰۰-۱۰۲).

در سرود ۶ بهشت، دانته نقش امپراتور را به عنوان نماینده خدا بر زمین بیان می‌کند و به امپراتور جاستینیان اشاره دارد: «من قیصر بودم و هستم، جاستینیان، که به فرمان عشق نخستین، قوانین را از زوائد و بیهودگی پاک کردم» (آلیگری، بهشت، سرود ۶، خط ۱۰-۱۲). این عبارات نشان می‌دهد که دانته معتقد است امپراتور باید برای برقراری عدالت و نظم، قوانین را از فساد

پاک کند. او همچنین در سرود ۳۳ بهشت، به شخصیت‌هایی اشاره می‌کند که به خاطر عدالت و خیر عمومی در مقام‌های بالا قرار گرفته‌اند: «ای کسانی که بر قدرت تکیه زده‌اید، بدانید که عدالت راه سعادت شما خواهد بود» (آلیگری، بهشت، سرود ۳۳، خط ۵۰). در دوزخ، سرود ۲۷، دانت به وضوح از سیاست‌مدارانی که برای رسیدن به قدرت از نیرنگ استفاده کرده‌اند، انتقاد می‌کند؛ «در شعله‌های آتش، آنان که فریبکارانه حکومت کردند، بی‌رحمانه می‌سوزند» (آلیگری، دوزخ، سرود ۲۷). در برزخ، سرود ۱۶، به گروهی از فرمانروایان اشاره دارد که در دوران زندگی خود عدالت را رعایت کرده‌اند و اکنون در حال تطهیر گناهان کوچک خود هستند تا به بهشت راه یابند؛ «او که با عدل فرمان راند و از آزمندی دوری گزید، اینجا در راه نور است» (آلیگری، برزخ، سرود ۱۶).

در بهشت، سرود ۱۸، دانت تأکید می‌کند که حاکمان باید بر پایه فضیلت و عقل حکومت کنند و از ظلم بپرهیزند؛ «خرد و عدالت ستون‌های فرمانروایی راستین‌اند» (آلیگری، بهشت، سرود ۱۸). در بهشت، سرود ۳۰، دانت از فرمانروایانی که خود را وقف عدالت کرده‌اند و در این دنیا به خیر عمومی اندیشیده‌اند، تقدیر می‌کند؛ «آنان که با قلبی پاک حکومت کردند، اینجا در جایگاه نورانی مقربانند» (آلیگری، بهشت، سرود ۳۰).

ارداویرافنامه و کمدی الهی هر دو بر اهمیت حکمرانی عادلانه تأکید دارند، اما در چارچوب‌های دینی و فلسفی متفاوت. در ارداویرافنامه، پادشاه ایدئال کسی است که از «فرّه ایزدی» برخوردار بوده و به اصول زرتشتی پایبند باشد. در کمدی الهی، دانت بر نقش دوگانه کلیسا و امپراتوری تأکید دارد و معتقد است عدالت زمانی برقرار می‌شود که حکومت سکولار و دینی از فساد دور باشند. این مقایسه نشان می‌دهد که علی‌رغم تفاوت‌های فرهنگی و مذهبی، اصول عدالت و اخلاق در حکمرانی از مفاهیم مشترک در هر دو اثر هستند.

چگونه حکومت کند؟

الف) ارداویرافنامه

در فصل ۱۴ و ۱۵ ارداویرافنامه، ارداویراف شاهد مجازات افرادی است که در دنیای آخرت به دلیل اعمال غیرعادلانه خود تنبیه شده‌اند. در فصل ۱۴، او با سرنوشت شاهانی روبه‌رو می‌شود که در زندگی خود بر اساس عدالت عمل نکرده‌اند. در این بخش آمده است: «هر مردی که پادشاه است، باید راستگو باشد و از ظلم بپرهیزد» (ارداویرافنامه، فصل ۱۴، ص ۷۲). این جمله تأکید ویژه‌ای بر اهمیت صداقت و عدالت در حکومت‌داری دارد.

در فصل ۱۵ نیز این مضمون ادامه می‌یابد: «پادشاه باید دانایی خود را به کار گیرد و با دانایان مشورت کند» (ارداویرافنامه، فصل ۱۵، ص ۷۵). این تأکید بر خردمندی و بهره‌گیری از مشورت، نشان می‌دهد که حکمرانان موفق نباید بر خودرأیی تکیه کنند، بلکه باید با افراد خردمند و آگاه مشورت نمایند تا تصمیمات عادلانه اتخاذ شود.

ویژگی‌های حکمرانی در ارداویرافنامه به شرح زیر است:

۱. عدالت و انصاف: در ارداویرافنامه، تأکید بسیاری بر رعایت عدالت توسط حاکمان شده است. یکی از صحنه‌های کلیدی این کتاب، مشاهده‌ی سرنوشت ظالمان در دوزخ است. ارداویراف در سفر خود می‌بیند که کسانی که عدالت را زیر پا گذاشته‌اند، به مجازات سختی گرفتار شده‌اند: «دیدم که داوران و شهریاران که به ستم بر مردم حکم رانده‌اند، در دوزخ در زنجیرهای گداخته بسته شده‌اند و اهریمنان آنان را شکنجه می‌کنند» (ارداویرافنامه، بند ۶۲). این بخش نشان می‌دهد که اجرای عدالت برای یک حاکم، نه تنها در این دنیا بلکه در آخرت نیز پیامد دارد. بنابراین، رعایت عدالت یکی از معیارهای اصلی ارزیابی پادشاهان است.

۲. خردمندی و دانایی: حکمران باید خردمند باشد و تصمیمات خود را بر پایه دانش و شناخت اتخاذ کند. در ارداویرافنامه، سروش ایزد تأکید می‌کند که بی‌خردی موجب نابودی یک پادشاه و کشورش خواهد شد: «شهریاری که بی‌خرد باشد، چون کشتی بی‌سکان در دریای تیره است» (ارداویرافنامه، بند ۴۳). این تمثیل نشان می‌دهد که حکومتی که از خرد دور شود، دچار هرج‌ومرج و سقوط خواهد شد.

۳. مشاوره با دانایان: در این اثر، مشورت با فرزندان به عنوان یکی از ارکان حکمرانی مطلوب معرفی شده است. ارداویراف از سروش ایزد می‌شنود که: «هیچ شاهی بی‌رأی و اندیشه‌ی دانایان پایدار نماند» (ارداویرافنامه، بند ۵۷). این جمله بیانگر این است که خودرأیی و تکیروی در حکمرانی، موجب ضعف و زوال قدرت خواهد شد.

۴. مسئولیت‌پذیری: در این کتاب، حاکمان موظف به توجه به رفاه مردم و رسیدگی به مشکلات جامعه هستند. در بخش‌هایی از دوزخ، ارداویراف مشاهده می‌کند که پادشاهانی که نسبت به مشکلات مردم بی‌توجه بوده‌اند، در آخرت مجازات می‌شوند؛ «دیدم که پادشاهی را که به درد مردم نرسید، در تازیانه‌های آتشین گرفتار کردند» (ارداویرافنامه، بند ۷۴). این تصویر نشان می‌دهد که مسئولیت‌پذیری یکی از مهم‌ترین وظایف یک حاکم است و بی‌توجهی به آن، عواقب سختی خواهد داشت.

۵. پرهیز از ظلم: در ارداویرافنامه، کسانی که در دنیا ظلم کرده‌اند، در دوزخ با عذاب‌های سختی روبه‌رو می‌شوند. ارداویراف از سرنوشت این ظالمان چنین گزارش می‌دهد: «دیدم که آنان که به مردم ستم کردند، زبان‌هایشان را با آتش بریده‌اند و در دریایی از گدازه فرو برده‌اند» (ارداویرافنامه، بند ۸۲). این بخش نشان می‌دهد که پرهیز از ظلم نه تنها برای پادشاهان، بلکه برای همه افراد ضروری است و یکی از اصول بنیادین حکمرانی عادلانه محسوب می‌شود.

ارداویرافنامه با ارائه این پنج ویژگی و نمایش پیامدهای رعایت یا عدم رعایت آنها، تصویری از یک حکومت ایدئال و اخلاق‌محور ارائه می‌دهد. این کتاب تأکید دارد که حاکمان باید عدالت را اجرا کنند، خردمند باشند، با دانایان مشورت کنند، مسئولیت‌پذیر باشند و از ظلم پرهیزند. این اصول نه تنها موجب پایداری حکومت در دنیا، بلکه موجب رستگاری حاکمان در آخرت نیز خواهد شد.

ب) کم‌دی الهی

در کم‌دی الهی دانت، اصول حکمرانی و فساد حاکمان در بخش‌های مختلف این اثر مورد بحث قرار گرفته است. در دوزخ، برزخ و بهشت، دانت با روح شخصیت‌های مختلف تاریخی و اسطوره‌ای دیدار می‌کند که سرنوشت آنان منعکس‌کننده مفاهیم حکمرانی و عدالت است. در سرود ششم دوزخ، دانت با چپاسکو، یکی از شخصیت‌های مشهور فلورانس، روبه‌رو می‌شود که از فساد و بی‌عدالتی حاکمان شهر سخن می‌گوید: «فلورانس، ای شهری که در آشوب غرق شده‌ای، رهبرانت راه عدالت را گم کرده‌اند» (آلیگری، دوزخ، سرود ۶، سطر ۳۵-۳۸). این گفت‌وگو نشان‌دهنده انتقاد دانت از سیاست‌های ناعادلانه و پیامدهای فساد در حکومت است. در سرود دوازدهم دوزخ، شاهانی که به ظلم و ستم مشهور بوده‌اند، در رودخانه خونین فرورفته‌اند: «اینان شاهانی‌اند که خون بی‌گناهان را ریختند و اکنون خود در خون غوطه‌ورند» (آلیگری، دوزخ، سرود ۱۲، سطر ۴۷-۵۰). این صحنه نمادین نشان می‌دهد که ستمگران در نهایت با سرنوشت خود مواجه خواهند شد. در سرود شانزدهم برزخ، ارواحی که از فساد رهبران خود رنج برده‌اند، اظهار می‌کنند: «بی‌عدالتی، آفت ملت‌هاست» (آلیگری، برزخ، سرود ۱۶، سطر ۶۵-۶۸). این بخش به فساد و انحراف اخلاقی رهبران اشاره دارد و بر ضرورت بازگشت به اصول عدالت تأکید می‌کند. در سرود ششم بهشت، امپراتور ژوستینیان درباره اهمیت قانون و عدالت سخن می‌گوید: «حاکم باید از قانون پیروی کند، نه آنکه آن را مطابق میل خود تغییر دهد» (آلیگری، بهشت، سرود ۶، سطر ۷۲-۷۵). این تأکید بر ضرورت اجرای قانون به عنوان یک اصل بنیادی در حکومت است.

اصول حکمرانی در کم‌دی الهی:

۱. عدالت: یکی از اصول اساسی حکمرانی که در دوزخ و بهشت مورد تأکید قرار گرفته است.
۲. مسئولیت‌پذیری: حاکمان باید نسبت به تصمیمات خود پاسخ‌گو باشند.
۳. پرهیز از فساد: فساد و خیانت در نهایت منجر به سقوط حکومت می‌شود.
۴. قانون‌مداری: حاکمان نباید قوانین را مطابق میل خود تغییر دهند، بلکه باید به اصول اخلاقی و قانونی پایبند باشند.

هر دو اثر، ارداویرافنامه و کمدی الهی، به اصول مشابهی درباره حکمرانی اشاره دارند. این اصول شامل عدالت، مسئولیت‌پذیری، خردمندی و مبارزه با فساد است. هرچند که این دو اثر در زمینه‌های فرهنگی و دینی متفاوتی نوشته شده‌اند، اما هر دو بر این باورند که حکومت باید بر پایه اصول اخلاقی و عقلانی بنا شود. بدون این اصول، جامعه به فساد و نابسامانی کشیده خواهد شد و در نهایت حاکمان ناعادل با سرنوشتی مشابه دوزخیان دانه یا مجازات‌شدگان ارداویرافنامه روبه‌رو خواهند شد.

نقش مردم در این حکومت چیست؟

الف) ارداویرافنامه

این اثر بیشتر بر اصول اخلاقی و دینی حکمرانان تأکید دارد و نقشی مستقیم برای مردم در فرآیند حکمرانی قائل نمی‌شود. اما بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد که عدالت و انصاف در حکومت‌داری از مضامین کلیدی متن است که به‌طور غیرمستقیم به حقوق و رفاه مردم اشاره دارد. در فصل چهاردهم ارداویرافنامه، به وظایف حاکمان اشاره شده و توصیه‌هایی درباره پرهیز از ظلم و رعایت عدالت ارائه شده است: «هر که دادگر و پارسا بود، او را به بهشت برند و هر که ستمگر بود، او را به دوزخ برند». (ارداویرافنامه، فصل ۱۴، صفحه ۹۲). این عبارت نشان می‌دهد که عدالت در حکومت‌داری از اصول اساسی محسوب می‌شود و تأثیر مستقیم بر سرنوشت مردم دارد. اگرچه متن بر وظایف حاکم تأکید دارد، اما از آنجا که عدالت و انصاف مستقیماً بر زندگی مردم تأثیر می‌گذارند، می‌توان گفت نقش مردم در حکومت، گرچه غیرمستقیم، اما تعیین‌کننده است.

در فصل پانزدهم، به حاکمان توصیه می‌شود با خردمندان مشورت کنند و بر مبنای اصول دینی و اخلاقی تصمیم بگیرند: «خردمندان را مشورت باید کرد، که آنچه به داد و راستی بود، آن را به کار برند». (ارداویرافنامه، فصل ۱۵، صفحه ۹۷). این تأکید بر مشورت‌پذیری نشان می‌دهد هرچند نقش مردم در تصمیم‌گیری مستقیم حکومت مشخص نشده، اما به‌طور غیرمستقیم، نظرات افراد دانا که می‌توانند نمایندگان مردم باشند، در حکمرانی اهمیت دارد.

ب) کمدی الهی

کمدی الهی دانه نیز به موضوع حکومت، عدالت و فساد حکمرانان پرداخته است. برخلاف ارداویرافنامه که بیشتر به وظایف اخلاقی حاکمان توجه دارد، دانه به نقش فساد در تضعیف جامعه و تأثیر آن بر زندگی مردم اشاره دارد. مردم در این متن، قربانی فساد و بی‌عدالتی حکومت‌های فاسد هستند. در سرود ششم دوزخ، دانه با روح چپاسکو مواجه می‌شود که درباره فساد در فلورانس هشدار می‌دهد: «آه ای فلورانس نفرین‌شده، آتش طمع حاکمانت تو را می‌سوزاند!» (آلیگری، دوزخ، سرود ۶، بیت ۴۹-۵۰). این جمله نشان می‌دهد که فساد حاکمان مستقیماً بر زندگی مردم تأثیر می‌گذارد و آنها را در رنج و سختی قرار می‌دهد. مردم در این دیدگاه، قربانی حکومت‌های ناعادلانه هستند و فساد حاکمان مانع از اجرای عدالت در جامعه می‌شود. در سرود بیست‌وهفتم دوزخ، روح گیدو دامونته فلتر به خیانت خود اعتراف می‌کند: «من که روزگاری به مردم خویش خیانت کردم، اکنون در این آتش می‌سوزم» (آلیگری، دوزخ، سرود ۲۷، بیت ۱۱۲-۱۱۴). این قسمت نشان می‌دهد که خیانت به اعتماد عمومی، گناهی بزرگ است و رهبران باید در برابر مردم پاسخ‌گو باشند. این دیدگاه بر اهمیت مسئولیت‌پذیری حاکمان تأکید دارد و نشان می‌دهد که عدم رعایت این اصل می‌تواند جامعه را به فساد و سقوط بکشاند.

در سرود نوزدهم برزخ، دانه فساد کلیسا و سوءاستفاده رهبران مذهبی از قدرت را محکوم می‌کند: «ای شما که در ردای مقدس، زهر خیانت را به مردم خورانده‌اید!» (آلیگری، کمدی الهی، برزخ، سرود ۱۹، بیت ۸۲-۸۵). این نقد شدید به فساد مذهبی نشان می‌دهد دانه معتقد است حکومت باید بر اساس عدالت باشد و مردم نباید قربانی سوءاستفاده از قدرت شوند.

در حالی که ارداویرافنامه بیشتر بر وظایف اخلاقی حاکمان تأکید دارد و نقش مردم را به‌طور غیرمستقیم در قالب تأثیر عدالت بر جامعه مطرح می‌کند، کمدی الهی به فساد و بی‌عدالتی اشاره دارد و بر نقش مردم به عنوان قربانیان این سیستم‌های فاسد

تمرکز می‌کند. در هر دو اثر، عدالت به عنوان اصلی بنیادین در حکومت معرفی می‌شود و رعایت آن تضمین‌کننده سعادت مردم است؛ اما درحالی‌که ارداویرافنامه بیشتر دیدگاهی آرمانی از حاکم عادل ارائه می‌دهد، دانتۀ نگاهی واقع‌گرایانه‌تر دارد و بر پیامدهای فساد و بی‌عدالتی تأکید می‌کند. هر دو اثر بر اهمیت عدالت در حکومت تأکید دارند. در ارداویرافنامه، نقش مردم از طریق رعایت عدالت توسط حاکمان تعریف می‌شود، درحالی‌که در کمندی الهی، فساد حاکمان و تأثیر آن بر مردم محوریت دارد. در هر دو اثر، حکومت ایدئال حکومتی است که حقوق مردم را رعایت کند و از فساد بپرهیزد. این نتیجه‌گیری نشان می‌دهد که مفاهیم عدالت و حکمرانی عادلانه در متون کهن، چه در ایران و چه در اروپا، جایگاه برجسته‌ای دارند.

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر به بررسی تطبیقی دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی در دو اثر برجسته دینی و ادبی، ارداویرافنامه و کمندی الهی پرداخته است. هدف اصلی این پژوهش، تحلیل چگونگی بازتاب مفاهیم سیاسی، اجتماعی و دینی در این دو اثر با وجود تفاوت‌های فرهنگی و تاریخی بود. در این راستا، تمرکز اصلی بر سه مؤلفه کلیدی عدالت، حکومت‌داری و نقش مردم در حکمرانی قرار گرفت. نتایج این مقایسه تطبیقی نشان می‌دهد علی‌رغم تفاوت‌های درخور توجه در زمان، مکان و فرهنگ‌های زبانی این دو اثر، هر دو بر اهمیت حکومت به عنوان ابزاری برای اجرای عدالت و هدایت اجتماعی تأکید دارند.

تحلیل ارداویرافنامه و کمندی الهی نشان می‌دهد هر دو اثر از روایت‌های معنوی برای انعکاس واقعیت‌های سیاسی زمان خود استفاده می‌کنند. با وجود تفاوت‌ها در زمینه‌های فرهنگی و تاریخی، هر دو متن یک کارکرد مشترک دارند: آنها از طریق داستان‌گویی مذهبی و تمثیلی با سیاست‌های جوامع مربوطه خود درگیر می‌شوند.

روایات معنوی منعکس‌کننده اندیشه‌های سیاسی: در ارداویرافنامه، به تصویر کشیدن سفر ارداویراف در زندگی پس از مرگ و رویارویی او با ارواح در بهشت، جهنم و برزخ، نظم اجتماعی و سیاسی زمان را به شکلی ظریف نقد می‌کند. تأکید بر عدل الهی در روایت، تفسیری ضمنی بر نظام سیاسی، به‌ویژه اهمیت حکمرانی صالح و تقویت نظم اجتماعی و دینی زرتشتیان است. به‌طور مشابه، در کمندی الهی، سفر دانتۀ از طریق جهنم، برزخ و بهشت به عنوان یک انتقاد تمثیلی از فساد سیاسی و مذهبی در ایتالیا، به‌ویژه جناح‌های سیاسی در فلورانس و قدرت کلیسا عمل می‌کند. استفاده از شخصیت‌های واقعی تاریخی در جهنم، برزخ و بهشت بر رویارویی مستقیم دانتۀ با ساختارهای فاسد سیاسی و کلیسایی زمان خود تأکید می‌کند.

تصویری از رستگاری و شرایط سیاسی: هر دو اثر از مضمون نجات نه‌تنها به عنوان یک سازه الهیاتی، بلکه به عنوان تفسیری اجتماعی و سیاسی استفاده می‌کنند. در ارداویرافنامه، رستگاری با عدل الهی که بر زندگی پس از مرگ حاکم است، گره خورده است؛ جایی که افراد بر اساس اعمال زمینی خود پاداش یا مجازات می‌شوند. این نشان‌دهنده اهمیت یکپارچگی اخلاقی و پایبندی به اصول دینی در جامعه، همسو با نیاز به نظم سیاسی عادلانه است. در مقابل، کمندی الهی دانتۀ رستگاری را به عنوان هدف نهایی روح به تصویر می‌کشد، اما هدفی که تنها از طریق اصلاح اخلاقی، توبه و عدالت الهی قابل دستیابی است. رفتار دانتۀ با رستگاری را می‌توان به عنوان نقدی از انحطاط اخلاقی در نهادهای سیاسی و مذهبی دانست که بر بازگشت به عدالت و مسئولیت‌پذیری اخلاقی در برابر فساد تأکید می‌کند. هر دو اثر حاکی از آن است که رستگاری سیاسی یا شفای بی‌نظمی سیاسی به تمامیت اخلاقی و معنوی افراد و حاکمان بستگی دارد.

نقش دین در تقویت یا نقد قدرت سیاسی: دین در هر دو اثر نقشی دوگانه دارد؛ قدرت سیاسی را تقویت و نقد می‌کند. در ارداویرافنامه، از اصول دینی زرتشتی برای مشروعیت‌بخشیدن به نظم سیاسی استفاده شده است که نشان می‌دهد حاکمان عادل بر اساس قوانین الهی عمل می‌کنند. این نشان‌دهنده درهم‌تنیدگی اقتدار مذهبی و سیاسی در ایران ساسانی است؛ جایی که شاه به عنوان یک شخصیت منصوب الهی دیده می‌شد. از سوی دیگر، در کمندی الهی، دانتۀ از تصاویر و مضامین مذهبی برای نقد نخبگان سیاسی و مذهبی زمان خود، به‌ویژه پاپ‌ها و سیاست‌مداران فاسد استفاده می‌کند. کار او هم یک عمل فداکاری معنوی و هم یک محکومیت سیاسی است که بر بازنگری اخلاقی قدرت سکولار و کلیسایی تأکید دارد.

در پایان، هم ارداویرافنامه و هم کمدی الهی پیوند عمیق دین و سیاست را در دوران خود نشان می‌دهند. از طریق روایات معنوی سفرهای پس از مرگ، هر دو اثر از چارچوب عدل و رستگاری الهی برای اظهارنظر در مورد قدرت سیاسی، حکومت و نظم اجتماعی استفاده می‌کنند. این آثار با انعکاس مبارزات سیاسی زمان خود نشان می‌دهند چگونه ادبیات می‌تواند به عنوان ابزاری قدرتمند برای نقد و تأمل سیاسی عمل کرده و از روایات مذهبی و معنوی برای به چالش کشیدن و نقد نظام‌های قدرت حاکم استفاده کند.

در ادامه یکی از مهم‌ترین شباهت‌ها بین ارداویرافنامه و کمدی الهی، تأکید هر دو اثر بر عدالت به عنوان هدف اصلی حکومت است. در ارداویرافنامه، حکمرانان موظف هستند از قدرت خود برای اجرای عدالت الهی و اخلاق در جامعه استفاده کنند. این اثر حکومتی را ترسیم می‌کند که نه تنها مسئول اداره امور دنیوی است، بلکه وظیفه هدایت مردم به سوی رستگاری را نیز بر عهده دارد. به‌ویژه در فصولی که ارداویراف به دنیای پس از مرگ سفر می‌کند و با مجازات‌ها و پاداش‌های الهی روبه‌رو می‌شود، تصویر واضحی از حکومتی عادلانه و هدفمند برای تحقق عدالت در دنیا و آخرت ارائه می‌دهد. در کمدی الهی نیز عدالت و حکومت به عنوان ابزارهایی برای تحقق رستگاری فردی و اجتماعی مطرح می‌شوند. دانته در این اثر به شدت از فساد موجود در کلیسا و حکومت‌های زمان خود انتقاد می‌کند و سفر روحانی خود را به عنوان ابزاری برای نمایش پاداش و مجازات‌ها و در نتیجه تحقق عدالت الهی، به کار می‌برد. هرچند این پاداش‌ها و مجازات‌ها در دنیای دیگر اعمال می‌شوند، اما هدف آنها ایجاد یک نظم اخلاقی در دنیا و تأکید بر مسؤولیت فردی در قبال عمل‌های خود است. همان‌طور که در ارداویرافنامه عدالت الهی از طریق نظم اجتماعی تحقق می‌یابد، در کمدی الهی نیز عدالت الهی نه تنها در دنیای پس از مرگ بلکه در رفتارهای اجتماعی و سیاسی در دوران حیات نیز بازتاب می‌یابد.

یکی دیگر از شباهت‌های بارز در این دو اثر، نگرش مشابه آنها به حکومت به عنوان نهاد راهبری مردم به سوی رستگاری است. در ارداویرافنامه، حکمرانان باید از قدرت خود برای هدایت مردم به سمت یک زندگی اخلاقی و دینی استفاده کنند. این نگرش به حکومت به عنوان یک نهاد معنوی و اخلاقی به‌ویژه در فصول ابتدایی اثر و توصیف شخصیت ارداویراف برجسته است. در واقع، حکومت در این متن نه تنها به عنوان یک نهاد دنیوی، بلکه به عنوان یک نهاد معنوی برای هدایت انسان‌ها به سوی رستگاری در نظر گرفته می‌شود. در کمدی الهی نیز دانته از سفر خود به دنیای پس از مرگ برای نمایاندن آموزه‌های مسیحی و پیام‌های الهی استفاده می‌کند. هدف او از این سفر، راهنمایی انسان‌ها به سوی رستگاری است و در این فرایند، حکام و کلیسا باید در هدایت مردم به سوی خداوند و در نهایت به سوی رستگاری فردی و اجتماعی مسئولیت‌پذیر باشند. اگرچه در کمدی الهی تأکید بیشتر بر فساد و انحرافات روحانی و سیاسی است، اما در نهایت هدف هدایت و رستگاری در این اثر نیز بر حکومت‌ها و نهادهای دینی اعمال می‌شود.

با وجود شباهت‌های ساختاری و مفهومی، ارداویرافنامه و کمدی الهی تفاوت‌هایی اساسی در نحوه نمایش عدالت دارند. در ارداویرافنامه، تأکید بیشتر بر مجازات‌ها و پاداش‌های الهی در دنیای دیگر است. حکمرانان در این اثر به عنوان نمایندگان عدالت الهی، وظیفه دارند که از قدرت خود برای ایجاد جامعه‌ای عادلانه و محافظت از اصول دینی استفاده کنند. به‌ویژه در فصولی که به توصیف دوزخ و مجازات‌های گناهکاران پرداخته می‌شود، هدف حکومتی بیشتر به اجرای عدالت از طریق مجازات و بازدارندگی از فساد محدود می‌شود. در مقابل، کمدی الهی بیشتر بر نقد اجتماعی و سیاسی حکومت‌ها و کلیسا تأکید دارد و دانته با استفاده از استعاره‌ها و نمادها فساد سیستم‌های حاکم را نشان می‌دهد. در این اثر، اجرای عدالت بیشتر از طریق اصلاحات روحانی و فردی به دست می‌آید تا از طریق اعمال مجازات‌های شدید. در اینجا، عدالت به معنای بازگشت فرد به مسیر درست است، نه صرفاً کیفر گناهکاران.

در نهایت، مقایسه ارداویرافنامه و کمدی الهی به‌ویژه در زمینه دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی آنها، پیامدهای جالبی دارد. در هر دو اثر، حکومت نه تنها وظیفه اداره جامعه، بلکه نقش هدایت مردم به سوی یک زندگی اخلاقی و دینی را دارد. با این حال، تفاوت‌های اساسی در رویکرد به اجرای عدالت و نحوه مواجهه با فساد اجتماعی وجود دارد. در حالی که ارداویرافنامه بیشتر به عنوان متنی ایدئال‌گرا برای حکومتی عادلانه با تکیه بر اصول دینی به تصویر کشیده می‌شود، کمدی الهی به‌طور واضح‌تر فساد و تباهی موجود در ساختارهای سیاسی و دینی زمانه خود را به چالش می‌کشد. این مقایسه تطبیقی نه تنها به ما این امکان را می‌دهد که شباهت‌ها و تفاوت‌های بنیادین در دو متن مختلف را درک کنیم، بلکه به ما کمک می‌کند تأثیرات اجتماعی و سیاسی

این دیدگاه‌ها را در دوران مختلف تاریخی بشناسیم. هرچند هر دو اثر تصویری ایدئال از حکومتی عادلانه و معنوی ارائه می‌دهند، در عمل، اجرای این ایده‌ها در جهان واقعی با چالش‌های فراوانی روبه‌رو است.

نظریه جان مارو	ارداویرافنامه	کمدی الهی
هدف حکومت چیست؟	تأمین عدالت رفاه اجتماعی بهبود وضعیت معیشتی مردم تحقق اصول دینی تحقق اصول اخلاقی	تحقق خیر عمومی عدالت وفاداری به اصول عدالت تحقق اخلاق
چه کسی حکومت کند؟	پیروی از اخلاق پیروی از دین توجه به مصلحت مردم دوری از فساد دوری از ظلم دارای روحیه قهرمانی و شجاعت دارای حکمت و دانایی	اهمیت عدالت پیروی از اخلاق خدمت به خیر عمومی در حکمرانی دوری از فساد دوری از ظلم دارا بودن صداقت
چگونه حکومت کند؟	۱. عدالت ۲. راستی و صداقت ۳. مهر و محبت ۴. پرهیز از ظلم و ستم ۵. پاسداشت دین و سنت ۶. مسئولیت‌پذیری	۱. عدالت و انصاف ۲. پرهیز از فساد و خیانت ۳. حکمت و دانایی ۴. مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی ۵. احترام به دین و ارزش‌های معنوی ۶. پرهیز از ظلم و ستم
نقش مردم در حکومت چیست؟	۱. فردیت و مسئولیت شخصی ۲. انتقاد از فساد و ظلم ۳. آموزش و بیداری اخلاقی ۴. ارزش‌های اجتماعی و دینی	۱. نقد اجتماعی و سیاسی ۲. تنبیه و مجازات ۳. نمایندگی گروه‌های اجتماعی ۴. ارتباط با مخاطب ۵. آموزش و بیداری

منابع

۱. احمدوند، شجاع. اسلامی، روح‌الله (۱۴۰۲). اندیشه سیاسی در ایران باستان، تهران: انتشارات سمت.
۲. الیگری، دانت (۱۴۰۲). کمدی الهی (بهشت، جهنم، برزخ)، ترجمه شجاع‌الدین شفا. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳. آموزگار ژاله (۱۳۹۱). تاریخ اساطیری ایران. تهران: انتشارات سمت.
۴. بهار، محمدتقی (۱۳۸۸). سبک‌شناسی (تاریخ تَطَوُّر نثر فارسی). تهران: انتشارات امیرکبیر.
۵. ژینیو، فیلیپ (۱۴۰۰). ارداویرافنامه، ترجمه ژاله آموزگار. تهران: انتشارات معین.

٦. Agostini, D. (٢٠١٠). Encountering a Beautiful Maiden: On the Zoroastrian dēn in Comparison with Dante's Beatrice. *Bulletin of the Asia Institute*, ٢٤, ١٥-٢٣.
٧. Ashton, Hugh. (٢٠١٦). *Dante's Political Thought*. Oxford University Press.
٨. Aramesh, K. (٢٠١٩). Perspectives of Hinduism and Zoroastrianism on abortion: a comparative study between two pro-life ancient sisters. *Journal of Medical Ethics and History of Medicine*, ١٢(٤).
<https://doi.org/10.1180.2/jmehm.v12i9.134>.
٩. Boyce, Mary. (١٩٨٤). *Textual Sources for the Study of Zoroastrianism*. University of Chicago Press.
١٠. Gowen, H. H. (١٩٢٤). Dante and the Orient. *The Sewanee Review*, ٣٢(٤), ٤٣٤-٤٤٥.
١١. Gignoux, P. (١٩٩٣). *Ardavirafnameh: Transcription, phonetic transcription, Pahlavi text translation, glossary*. Translated and researched by Zhaleh Amouzgar. Tehran: Mo'in Publishing Company – French Institute of Iranian Studies.
١٢. Hollander, Robert. (٢٠٠٠). *Dante: A Life in Works*. Yale University Press.
١٣. Iannucci, A. A., & Manettus, I. (Eds.) *Dante: contemporary perspectives*. *Choice Reviews Online*, ٣٥(٠٤), ٣٥-٢٠١٨. <https://doi.org/10.5861/choice.35-2018>
١٤. Lebedev, V. (٢٠٢٢). CREATIVITY A. DANTE IN MODERN MASS CULTURE. *The Bulletin of Yaroslav Mudryi National Law University. Series: Philosophy, Philosophies of Law, Political Science, Sociology*, ١(٥٢).
<https://doi.org/10.1064/2673-07.0.02.20.443>
١٥. Kirkpatrick, Robin. (٢٠١٣). *Dante: The Divine Comedy*. Cambridge University Press.
١٦. Haug, Martin, and Edward William West, trans. *The Book of Arda Viraf*. Bombay, ١٨٧٢.
١٧. Matthews, J. (٢٠١٣). The Divine Comedy as an American Civil War Epic. *J19: The Journal of Nineteenth-Century Americanists*, ١(٢), ٣١٥-٣٣٧. <https://doi.org/10.1303/jnc.2.13.0.33>
١٨. Morrow, J. (٢٠٠٥). *History of Western Political Thought: A Thematic Introduction*. (٣rd ed.). Palgrave Macmillan.
١٩. Montano, R. (١٩٧٣). Italian Humanism: Dante and Petrarch. *Italica*, ٥٠(٢), ٢٠٥-٢٢١.
<https://doi.org/10.2307/47793>.
٢٠. Sakineh, R., & Alamdari Manijeh, M. (٢٠١٧). Practical philosophy in epic poetry of Faramarz Nameh. *Journal of Fundamental and Applied Sciences*, ٩(١٥), ٤٢٧. <https://doi.org/10.4314/jfas.v9i15.700>
٢١. Shahbazi, M. R., Avarand, S., Yazdani, S., & Jamali, M. (٢٠١٥). An Anthropological Study of the Dramatic Elements of the Book of ArdaViraf in Iran. *The Anthropologist*, ٢٠(٣), ٤٩٢-٥٠٢.
<https://doi.org/10.1080/0972073.2015.1118917>
٢٢. Soltani, Manzar; Ghorbani Joibari, Kulthum. (٢٠١٢). A comparative analysis of Ardavirafnameh, Sir al-Abad and Divine Comedy. *Persian language and literature research*, number ٣٨, pages ٣٩-٦٦
٢٣. Zulyeno, B. (٢٠١٨). FIRDOWSI: NATIONAL CHARACTER IN PERSIAN LITERATURE. *International Review of Humanities Studies*, ١(١). <https://doi.org/10.7404/irhs.v1i1.09>